

عقد بست و ایشان را در حرم بادشاه که میان ایشان
عقد بستند و آنکس که شایسته خوانند

و بادشاه شایسته پیش جابل نبود منزل داد و این کتاب پیش
آنکه او نیتن بیکه از نو قاهره بود و در آنکه او نیتن

ایشان نهاد و فرمود که بان صورتها مختلف که در آن کتاب
اوله کشف نمودند

تصویر کرده اند بمشاورت و مباشرت مشغول باشند و بادشاه
تصویر کرده و بمشاورت و مباشرت مشغول بودند و مشایخ

فرمود که از قضای شبکه بی و قوت ایشان احوال ایشان را
بیکه کرده اند

مشاهده کند چون این مشاهده مکرر شد مراتب خیریت قوت
فایده این

حرف و آن ماده را که مانع قیام الت بود منقطع گردانید و مثال
و در غیر اوله ماده دیدم که بیایم تا اوله کشف کردیم و بنویس

پنیر مایه بنجد از منفذ اخیل بیرون آمد و مقصود
مانع بیکه قوتی نکرده و آنکه نظر کلید و مقصود

حاصل شد و از سخنان و بیست این بقیه در وصف
حاصل اوله کشف و اوله کشف نمودند و بنویس

شراب قطعه ساقی بار عمل می کنز خیال آن
و وصف

از پیشه لاله دار شود و یک کستان
یک لاله دار اوله کشف نمودند و اوله کشف

همچون من از بلغاریانست
و کجایم دروغ بنفاد منسوب خوب بود

کنند بلغاریان را نیز هم نیست
که بلغاریانکه در بی

خدا یا این بلا و فتنه از دست
خدا یا بود بدیله فتنه سندن

هی اردن ترکان از بلغاریا
نمودند خوب بود بلغاریا

لب و دندان آن خوبان چون ما
اوله کشف بود که در این و در این

که از عشق لب و دندان ایشان
اوله کشف و در این و در این

اذرقی هروی در قواعد شعر و فضل ماهر بود
نویسه فاعله و اوله کشف ماهر بود

و در قوانین علم و حکمت کامل مدوح او را عارضه حادث
در حق عله حکمت فاعله کشف ماهر بود

شد که قوت مباشرت ساقط گشت اطبا از معالجه
اوله کشف که ساقط اوله کشف طبیب که معالجه

آن عاجز گشتند از در قی کتاب الفیه و شلفیه بنظم
عاقب اوله کشف از در قی و شلفیه کتاب بنظم

او مرد و تصویب کرد و غلامی را از خواص شاه پاکیزگی
نمودند و در قی و شلفیه و بنویس که فاعله

عقد بست